

فصل پنجم: معاد

الف) تأکید بر وقوع معاد

نفی هرگونه تردید نسبت به وقوع معاد

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لِيَجْمَعَ كُمُ إِلَى
يَوْمِ الْقِيَمَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَمَنْ أَصْدَقُ
مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا



خداست که هیچ معبودی جز او نیست.
مسلماً شما را [از گورهایتان] به سوی
[دادگاه‌های حسابرسی] روز قیامت که هیچ
شکی در آن نیست جمع میکند؛ و راست‌گوتر
از خدا در گفتار کیست؟ (نساء، ۸۷)

پاسخ به منکران معاد

وَهُوَ الَّذِي يَبْدُؤُاَ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَهُوَ
أَهْوَنُ عَلَيْهِ وَلَهُ الْمَثَلُ الْأَعْلَىٰ فِي السَّمَوَاتِ
وَالْأَرْضِ ۚ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٢٧﴾

اوست که مخلوقات را می‌آفریند سپس
آنان را [پس از مرگشان] باز می‌گرداند؛ و
این [کار] برای او آسان‌تر است. و برترین
وصف‌ها در آسمان‌ها و زمین ویژه اوست؛
و او توانای شکست‌ناپذیر و حکیم است.

(روم، ۲۷)

ب) اوصاف روز قیامت

۱. فرار از بستگان نزدیک

فَإِذَا جَاءَتِ الصَّاعَةُ ﴿٣٣﴾ يَوْمَ يَفِرُّ
الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ ﴿٣٤﴾ وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ ﴿٣٥﴾
وَصَحْبِهِ وَبَنِيهِ ﴿٣٦﴾ لِكُلِّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ
يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ ﴿٣٧﴾

پس زمانی که آن بانگ هولناک و مهیب در رسد، (۳۳) و آن روزی است که آدمی فرار می‌کند، از برادرش (۳۴) و از مادر و پدرش (۳۵) و از همسر و فرزندان (۳۶) در آن روز هرکسی از آنان را کاری است که او را به خود مشغول می‌کند [تا جایی که نمی‌گذارد به چیز دیگری پردازد]. (۳۷)

(عبس)

۲. زلزلہ وحشتناک رستاخیز

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
يَأَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ إِنَّ
زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ ﴿١﴾ يَوْمَ
تَرَوْنَهَا تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ
عَمَّا أَرْضَعَتْ وَتَضَعُ كُلُّ ذَاتِ
حَمْلٍ حَمْلَهَا وَتَرَى النَّاسَ سُكَرَى
وَمَا هُمْ بِسُكَرَى وَلَٰكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ
شَدِيدٌ ﴿٢﴾

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و
مهربانی اش همیشگی
ای مردم! از پروردگارتان پروا کنید،
بی تردید زلزله قیامت، واقعه ای بزرگ
است. (۱) روزی که آن را ببینید [مشاهده
خواهید کرد که] هر مادر شیر دهنده ای
از کودکی که شیرش می دهد، بی خبر
می شود، و هر ماده بارداری بار خود را
سقط می کند، و مردم را مست می بینی در
حالی که مست نیستند، بلکه عذاب خدا
بسیار سخت است. (۲) (حج)

۳. پیر شدن کودکان از شدت سختی روز قیامت

فَكَيْفَ تَتَّقُونَ إِن كَفَرْتُمْ يَوْمًا يَجْعَلُ

الْوِلْدَانَ شِيبًا ﴿١٧﴾

اگر امروز کفر بورزید، پس چگونه خود را [از عذاب] روزی که کودکان را پیر می‌کند، حفظ می‌نمایید؟ (مزمل، ۱۷)

۴. از بین رفتن مقام‌های دنیوی و عزت مندی مؤمنان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ ۝ (۱) لَيْسَ لَوْعْنَهَا كَاذِبَةٌ

(۲) خَافِضَةٌ رَّافِعَةٌ ۝ (۳)

به نام خدا که رحمتش بی‌اندازه است و
مهربانی‌اش همیشگی

هنگامی که واقعه [بسیار عظیم قیامت]
واقع شود، (۱) که در واقع شدنش دروغی
[در کار] نیست، (۲) پست کننده [کافران] و
رفعت دهنده [مؤمنان] است. (۳) (واقعه)

۵. جدایی انسان و تمام وابستگی‌ها

لَنْ تَنْفَعَكُمُ أَرْحَامُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ يَوْمَ
الْقِيَمَةِ يَفْصِلُ بَيْنَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا
تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٣﴾

روز قیامت [که کیفر دوستی با دشمنان را
می‌دهند] خویشان و فرزندان سودی به
حال شما ندارند، خدا میان شما و آنان
جدایی می‌اندازد، و خدا به آنچه انجام
می‌دهید بیناست (ممتحنه، ۳)

۶. سودمند نبودن نسبت‌ها و افتخارات
قبیله‌ای

فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ
يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ ﴿١٠١﴾

چون در صور دمیده شود، در آن روز نه
میان‌شان خویشاوندی و نسبی وجود خواهد
داشت و نه از اوضاع و احوال یکدیگر
می‌پرسند؛ (مؤمنون، ۱۰۱)

۷. نفی به عہدہ گرفتن گناہ دیگری

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا
 اتَّبِعُوا سَبِيلَنَا وَلْنَحْمِلْ خَطَايَكُمْ وَمَا
 هُمْ بِحَامِلِينَ مِنْ خَطَايَاهُمْ مِنْ شَيْءٍ ۚ
 إِنَّهُمْ لَكَذِبُونَ ﴿١٢﴾ وَلِيَحْمِلُوا
 أَثْقَالَهُمْ وَأَتَقَالَا مَعَ أَثْقَالِهِمْ ۚ وَلَيُسْأَلُنَّ يَوْمَ
 الْقِيَامَةِ عَمَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿١٣﴾

و کافران به مؤمنان گفتند: از راه ما پیروی کنید
تا ما [اگر آخرتی و عذابی در کار باشد] گناهان
شما را به عهده گیریم. و آنان [به اختیار خود]
بر عهده گیرنده چیزی از گناهان اینان نیستند،
آنان یقیناً [در پیشنهادی که به مؤمنان می‌دهند]
دروغگویند، (۱۲) مسلماً بارهای [گناهان]
خود را با بارهای دیگری [از گناهان کسانی
که گمراهشان کردند] همراه با بارهای خود
به دوش خواهند کشید، و روز قیامت از آنچه
[به خدا و پیامبر و قرآن] افترا می‌بستند، حتماً
بازپرسی خواهند شد. (۱۳) (عنکبوت)

۸. حاکمیت مطلق خداوند در روز قیامت

يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِّنَفْسٍ شَيْئًا
وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ ﴿١٩﴾

روزی که کسی از کسی چیزی از عذاب را دفع نمی‌کند، و در آن روز، حکومت و فرمان راندن ویژه خداست (انفطار، ۱۹)

۹. ناکارآمدی تمام سرمایه‌های دنیا

برای رهایی از عذاب

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ أَنَّ لَهُمْ مَا
 فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ
 لَيَفْتَدُوا بِهِ مِنْ عَذَابِ يَوْمِ الْقِيَمَةِ مَا
 نَقَبِلَ مِنْهُمْ^{۳۶} وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

قطعاً کسانی که کافر شدند اگر همه
 آنچه در زمین است و همانند آن را نیز با
 آن همراه خود داشته باشند، تا آن را برای
 نجاتشان از عذاب روز قیامت عوض دهند،
 از آنان پذیرفته نخواهد شد؛ و برای آنان
 عذابی دردناک است (۳۶، مائده)

۱۰. حساب رسی انسان از اعمال خویش

وَكُلَّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ
وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ
مَنْشُورًا ﴿١٣﴾ أَقْرَأَ كَتَبَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ
الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا ﴿١٤﴾

و عمل هر انسانی را برای همیشه ملازم او
نموده ایم، و روز قیامت نوشته ای را [که کتاب
عمل اوست] برای او بیرون می آوریم که آن
را پیش رویش گشوده می بیند. (۱۳) [به او
می گویند:] کتاب خود را بخوان، کافی است
که امروز خودت بر خود حسابگر باشی.
(۱۴) (اسراء)

۱۱. شگفتی انسان از دقت محاسبه و تجسم اعمال

وَوُضِعَ الْكِتَابُ فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ
 مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ وَيَقُولُونَ يُوَيْلُنَا مَا لِ
 هَذَا الْكِتَابِ لَا يَغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا
 كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا
 حَاضِرًا وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا ﴿٤٩﴾

کتاب [اعمال] هر کسی [در برابر دیدگانش] نهاده می‌شود، پس مجرمان را می‌بینی که از آنچه در آن است هراسانند و می‌گویند: ای وای بر ما، این چه کتابی است که هیچ عمل کوچک و بزرگی را فرو نگذاشته است مگر آن که آن را به حساب آورده؟! و هر عملی را انجام داده‌اند حاضر می‌یابند، و پروردگارت به هیچ کس ستم نخواهد کرد (کهف، ۴۹)

۱۲. مشاهدہ کوچک ترین اعمال نیک و بد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا ①

وَأُخْرِجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا ②

وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا ③ يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ

أَخْبَارَهَا ④ بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَىٰ لَهَا ⑤

يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْنَاءًا

لِيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ ⑥ فَمَنْ يَعْمَلْ

مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ ⑦ وَمَنْ

يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ ⑧

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و
مهربانی اش همیشگی

هنگامی که زمین را با [شدیدترین]
لرزشش بلرزانند، (۱) و زمین بارهای
گرانرش را بیرون اندازد، (۲) و انسان بگوید:
زمین را چه شده است؟ (۳) آن روز است
که زمین اخبار خود را می گوید؛ (۴)
چون پروردگارت به او وحی کرده است.
(۵) آن روز مردم [پس از پایان حساب]
به صورت گروه های پراکنده [به سوی
منزل های ابدی خود بهشت یا دوزخ]
باز می گردند، تا اعمالشان را [به صورت
تجسم یافته] به آنان نشان دهند. (۶) پس
هرکس هم وزن ذره ای نیکی کند، آن نیکی
را ببیند. (۷) و هرکس هم وزن ذره ای بدی
کند، آن بدی را ببیند. (۸) **(زلزال)**

۱۳. دقت و عدالت در سنجش اعمال

وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَمَةِ
 فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ
 مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا
 وَكَفَى بِنَا حَسِيبِينَ ﴿٤٧﴾

و ترازوهای عدالت را روز قیامت می نهیم
 و به هیچ کس کمترین ستمی نمی شود؛
 و اگر [عمل خوب یا بد] هم وزن دانه
 خردلی باشد آن را [برای وزن کردن]
 می آوریم، و کافی است که ما حسابگر
 باشیم. (انبیاء، ۴۷)

ج) شاهدان اعمال در روز قیامت

۱. خداوند

يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُهُم بِمَا
عَمِلُوا أَحْصَاهُ اللَّهُ وَنَسُوهُ وَاللَّهُ عَلَى
كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ



در روزی که خدا همه آنان را برمی‌انگیزد،
آن گاه به اعمالی که انجام داده‌اند، آگاهشان
می‌کند، اعمالی که خدا حساب همه آنها
را برشمرده است در حالی که [آنان] آن را
فراموش کرده‌اند، و خدا بر هر چیز گواه
است. (مجادله، ۶)

۲. پیامبر اسلام

گواه بودن پیامبر بر همگان

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَهِيدًا
وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ﴿٤٥﴾ وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ
بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا ﴿٤٦﴾

ای پیامبر! به راستی ما تو را شاهد [بر امت] و مژده‌رسان و بیم‌دهنده فرستادیم. (۴۵) و تو را دعوت کننده به سوی خدا به فرمان او و چراغی فروزان [برای هدایت جهانیان] قرار دادیم. (۴۶) (احزاب)

گواه بودن پیامبر بر انبیای پیشین

فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ
وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا ﴿٤١﴾

پس چگونه است [حال مردم] هنگامی
که از هر امتی گواهی [که پیامبر آنان
است بر اعمالشان] بیاوریم، و تو را بر
آنان گواه آوریم؟ (نساء، ۴۱)

۳. پیامبر هر امت

وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ
مِّنْ أَنْفُسِهِمْ وَجِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَىٰ
هَؤُلَاءِ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا
لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ

لِّلْمُسْلِمِينَ ﴿٨٩﴾

و [یاد کن] روزی که در هر امتی گواهی از
خودشان بر آنان برمی‌انگیزیم، و تو را [ای
پیامبر اسلام!] بر اینان گواه می‌آوریم؛ و
این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر
هر چیزی و هدایت و رحمت و مرزهای
برای تسلیم‌شدگان [به فرمان‌های خدا]
ست. (نحل، ۸۹)

۴. مؤمنان حقیقی (امامان)

وَقُلْ أَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ
وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ إِلَىٰ عِلْمِ الْغَيْبِ
وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿١٠٥﴾

بگو: عمل کنید یقیناً خدا و پیامبرش و
مؤمنان اعمال شما را می بینند، و به زودی
شما را به سوی دانای نهان و آشکار
باز می گردانند، پس شما را به آنچه همواره
انجام می دادید آگاه می کند (توبه، ۱۰۵)

۵. اعضای بدن

وَيَوْمَ يُحْشَرُ أَعْدَاءُ اللَّهِ إِلَى النَّارِ فَهُمْ
يُوزَعُونَ ﴿١٩﴾ حَتَّىٰ إِذَا مَا جَاءُوهَا شَهِدَ عَلَيْهِمْ
سَمْعُهُمْ وَأَبْصَرُهُمْ وَجُلُودُهُمْ بِمَا كَانُوا
يَعْمَلُونَ ﴿٢٠﴾

و [یاد کن] روزی که دشمنان خدا را به
سوی آتش جمع می‌کنند، پس آنان را از
حرکت باز می‌دارند [تا گروه‌های دیگر
به آنان ملحق شوند]. (۱۹) وقتی به آتش
می‌رسند، گوش و چشم و پوستشان به
اعمالی که همواره انجام می‌دادند گواهی
می‌دهند. (۲۰) (فصلت)

شفاعت

الف) تحقق شفاعت به اذن پروردگار

قُلْ لِلَّهِ الشَّفَعَةُ جَمِيعًا ۖ لَهُ مُلْكُ

السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ ثُمَّ إِلَيْهِ

تُرْجَعُونَ ﴿٤٤﴾

بگو: شفاعت، یکسره ویژه خداست، فرمانروایی
آسمان‌ها و زمین در سیطره اوست، سپس شما
را به سوی او باز می‌گردانند (زمر، ۴۴)

ب) شرط شفاعت کنندگان

۱. شهادت به حق

وَلَا يَمْلِكُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ
الْشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنْ شَهِدَ بِالْحَقِّ وَهُمْ

يَعْلَمُونَ ﴿٨٦﴾

و کسانی را که به جای خدا می پرستند،
اختیار شفاعت ندارند، اختیار شفاعت فقط
با کسانی است که [از روی بصیرت] شهادت
به حق داده اند و آنان [حقیقت حال کسانی
را که می خواهند برای آنان شفاعت کنند]
می دانند. (زخرف، ۸۶)

۲. رضایت پروردگار از گفتار و عمل ایشان

يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ

الرَّحْمَنُ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا ﴿١٠٩﴾

در آن روز شفاعت کسی سودی ندهد
مگر آن که [خدای] رحمان به او اذن دهد
و گفتارش را [در مورد شفاعت از دیگران]
بپسندد (طه، ۱۰۹)

۳. وفاداری به عهد و پیمان با خداوند

لَا يَمْلِكُونَ الشَّفْعَةَ إِلَّا مَنْ اتَّخَذَ

عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا ﴿٨٧﴾

[شفیعان در آن روز] قدرت بر شفاعت ندارند مگر کسانی [مانند پیامبران، امامان، فرشتگان و اولیا] که از نزد [خدای] رحمان، پیمانی [بر اذن شفاعت] گرفته باشند.
(مریم، ۸۷)

ج) شرط شفاعت شوندگان

يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا
يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ارْتَضَىٰ وَهُمْ مِّنْ

خَشْيَتِهِ مُشْفِقُونَ ﴿٢٨﴾

خدا همه گذشته و آینده آنان را می‌داند،
و جز برای کسی که خدا بپسندد شفاعت
نمی‌کند، و آنان به خاطر خشیت از
[عظمت و جلال] او بیمناکند (انبیاء، ۲۸)

معاد جسمانی

شکل‌گیری دوباره سر انگشتان

أَيَحْسَبُ الْإِنْسَنُ أَلَّنْ نَجْمَعَ عِظَامَهُ، ﴿٣﴾ بَلَىٰ
 قَدَرِينَا عَلَىٰ أَنْ نُسَوِّيَ بَنَانَهُ، ﴿٤﴾ بَلَىٰ يُرِيدُ
 الْإِنْسَنُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ، ﴿٥﴾

آیا انسان گمان می‌کند که ما هرگز استخوان‌هایش را جمع نخواهیم کرد؟ (۳) چرا در حالی که تواناییم [خطوط] سر انگشتانش را درست و نیکو بازسازی کنیم، (۴) [نه اینکه به گمان او قیامتی در کار نباشد] بلکه انسان می‌خواهد [با دست و پا زدن در شک و تردید] فرارویش را [از اعتقاد به قیامت که بازدارنده‌ای قوی است] باز کند [تا برای ارتکاب هر گناهی آزاد باشد!] (۵) (قیامت)

زنده کردن همان استخوان پوسیده

وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ، قَالَ مَنْ
يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ ﴿٧٨﴾ قُلْ
يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ
خَلْقٍ عَلِيمٌ ﴿٧٩﴾

در حالی که آفرینش نخستین خود را
از یاد برده برای ما مثلی زد [و] گفت:
چه کسی این استخوان‌ها را در حالی
که پوسیده‌اند زنده می‌کند؟ (۷۸) بگو:
همان کسی که نخستین بار آن را پدید
آورد، زنده‌اش می‌کند، و او به هر چیزی
دانا است (۷۹) (یس)

بهشت و جهنم

بر خورداری از مواهب فوق تصور بهشتیان

فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُم مِّن قُرَّةِ أَعْيُنٍ

جَزَاءُ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٧﴾

قطعاً هیچ کس نمی‌داند چه چیزهایی
که مایه خوشحالی آنان است به پاداش
اعمالی که همواره انجام می‌داده‌اند، برای
آنان پنهان داشته‌اند (سجده، ۱۷)

عذاب دردناک جهنمیان

سَأُصْلِيهِ سَقَرَ ﴿٢٦﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا سَقَرُ ﴿٢٧﴾

لَا يُبْقِي وَلَا يَنْذَرُ ﴿٢٨﴾ لَوَّاحَةٌ لِلْبَشَرِ ﴿٢٩﴾

به زودی او را در سقر درآورم (۲۶) و تو چه می دانی سقر چیست؟ (۲۷) [آتشی است که] نه چیزی را باقی می گذارد و نه رها می کند؛ (۲۸) پوست بدن را [همه جانبه] دگرگون می کند. (۲۹) (مدثر)